



آخرین اخبار از شیوع ویروس کرونا در کشور

**همه ایران قرمز است**

● **شرق:** ویروس کرونا همچنان در

ایران قربانی می‌گیرد و تازه‌ترین اخبار از شدیدترشدن شیوع این ویروس خبر می‌دهد.

در تازه‌ترین اخبار رسمی، وزارت بهداشت آمار جان‌باختگان روز گذشته را ۲۱۶ نفر اعلام و معاون وزیر بهداشت هم در توصیف شرایط از عبارت «اوضاع اصلا خوب نیست» استفاده کرد. درباره آخرین آمار، ظهر دیروز سخنگوی وزارت بهداشت از شناسایی دوهزارو ۳۳۳ بیمار جدید کووید ۱۹ در کشور در شبانه‌روز گذشته خبر داد. «سینما سادات لاری» دراین باره گفت: «از روز شنبه تا یکشنبه پنجم مرداد ۱۳۹۹ و براساس معیارهای قطعی تشخیصی، دوهزارو ۳۳۳ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی شد که هزارو ۲۸۲ نفر از آنها بستری شدند. مجموع بیماران کووید ۱۹ در کشور به ۲۹۱هزارو ۱۷۲ نفر رسید». او درباره جان‌باختگان هم گفت: «در ۲۴ ساعت گذشته، ۲۱۶ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۱۵هزارو ۷۰۰ نفر رسید. خوشبختانه تاکنون ۲۵۳هزارو ۲۱۳ نفر از بیماران، بهبود یافته یا از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند. سه‌هزارو ۶۹۵ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در وضعیت

شدید این بیماری تحت مراقبت قرار دارند». لاری درباره وضعیت استان‌های کشور هم گفت: «مانند روزهای گذشته، استان‌های مازندران، فارس، آذربایجان‌های شرقی و لرستان، خراسان رضوی، البرز، خوزستان، گری، گلستان، کرمان، زنجان و ایلام در وضعیت قرمز قرار دارند. همچنین استان‌های تهران، اصفهان، بوشهر، هرمزگان، قزوین، مرکزی، خراسان شمالی، همدان، خراسان جنوبی، سیستان وبلوچستان، اردبیل و کهگیلویهوبویرواحمد هم در وضعیت هشدار قرار دارند.»

دیروز همچنین معاون کل وزارت بهداشت در تشریح وضعیت کرونا در کشور، با بیان اینکه وضعیت اصلا خوب نیست، تهران را منبع پخش کرونا در کل کشور خواند. «ایرج حریری» درباره آخرین وضعیت کرونا در کشور، بااین‌که در استان خراسان رضوی افزایش ابتلای ۳۰۰ درصدی داشته‌ایم، گفت: «بر همین اساس با نظر وزیر بهداشت چند نفر از معاونان و مدیر کل‌های وزارت بهداشت به این استان سفر کردند. درعین‌حال دانشگاه علوم پزشکی استان هم به‌خوبی عمل می‌کند، بااین حال شرایط در این استان غم‌انگیز است. تقریبا کل کشور وضعیت قرمز دارد؛ برخی استان‌ها که قرمز نیستند، یک میلیون نفر جمعیت دارند. بنابراین وضعیت قرمز و در حال هشدار است.» حریری ادامه داد:

«در اسفند و فروردین میزان بستری در کل کشور بسیار زیاد شد، اما سپس روند کاهشی را حفظ کرد و اکنون مجددا روندی افزایشی دارد. به‌طوری‌که میزان بستری ما از هر صد هزار نفر جمعیت حدود پنج نفر است و روزانه تقریبا چهار هزار فرد مشکوک یا کرونا مثبت با بستری می‌کنیم. تا زمانی که ابتلا و بستری صعودی است، دو تا سه هفته بعد بمرگ‌های ناشی از بیماری نیز افزایش می‌یابد؛ زیرا پنج تا ۱۰ درصد افرادی که در بیمارستان بستری می‌شوند، فوت خواهند کرد. تا زمانی که بستری کاهش نیابد، مرگ ۲۰۰ تایی میهمان ما است.» او با بیان اینکه میزان مرگ‌های ما بسیار راجحت‌کننده است، گفت: «روز ۲۰۰ مرگ، یعنی ۲۰ درصد موارد مرگ روزانه در کشور. بر این اساس اکنون از هر پنج فوتی که در کشور اتفاق می‌افتد، یکی مربوط به کروناست. این واقعیت امروز ماست و تا زمانی که مسائل بهداشتی و فاصله‌گذاری را رعایت نکنیم، حل نمی‌شود. فکر کنیم که کرونا برای همسایه است. ۷۰ درصد مردم ما یا چاق هستند یا اضافه‌وزن دارند و ۳۰ درصد لاغرند یا وزن نرمال دارند. در بالغ ۱۴ درصد دیابت دارند و... افراد عادی که چاق هستند هم می‌توانند مبتلا شوند. چاقی یکی از ریسک‌فاکتورهای کروناست و ثابت شده هر یک کیلوگرم کاهش وزن، یک درصد احتمال ابتلا به کرونا را کاهش می‌دهد.» حریری درباره وضعیت تهران نیز گفت: «بستری‌های تهران در فروردین رو به سقوط گذاشت، اما اکنون بستری روزانه جدید روزی ۶۰۰ مورد است. همچنین در تهران حدود چهارهزارو ۵۰۰ بستری روز تحت داریم. باید توجه کرد تا زمانی‌که این روند‌ها افزایشی است، مرگ‌ومیر نیز افزایشی خواهد بود. کرونا ایته عمل ماست، هر رفتار نامناسب بهداشتی ما پنج تا هفت روز بعد خودش را در حوزه سرپایی نشان می‌دهد، دو تا سه هفته بعد در بستری و چهار تا شش هفته بعد در مرگ‌ومیر. اکنون تهران منبع پخش بیماری به کل کشور شده و چرخش زاید است؛ به‌ویژه در شهرستان‌های اطراف تهران مانند البرز و بعد هم شمال ... هرکس از تهران به شهرهای اطراف در رفت‌وآمد است، می‌تواند افراد دیگر را آلوده کند.»

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی در چارچوب تدوین مبانی نظری توانمندسازی حاکمیت، با همکاری روزنامه «شرق»، مروری بر نظریه‌های تبیین سیر قدرت در ایران داشته و با طرح پرسش‌هایی درباره لوازم مشروطه‌خواهی به‌همراه بررسی انتقادی نظریه‌های ناظر بر استبداد شرقی به‌گفت‌وگو با صاحب‌نظران پرداخته است. تا‌ساکگرد امضای فرمان مشروطیت در ۱۴ مرداد، روزنامه «شرق» به‌صورت هفتگی دیدگاه صاحب‌نظران در این‌گفت‌وگوها را بازتاب می‌دهد و این‌بار سراغ «احمد زیدآبادی»، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی برجسته‌ای رفته است که از سال ۱۳۶۸، فعالیت روزنامه‌نگاری خود را با روزنامه اطلاعات آغاز کرد. او در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران تحصیل کرده و دکترای علوم سیاسی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران دارد. برخی آثار او عبارت‌اند از: دین و دولت در اسرائیل، الزامات سیاست در عصر-ملت-دولت، از سردرد وگرم روزگار، بهار زندگی در زمستان تهران و... در این‌گفت‌وگو او تصریح کرده که سرنگونی دولت مطلقه، لزوماً به‌ وضعی مطلوب و نوعی دموکراتیک منجر نخواهد شد. حتی ای بسا وجود دولت مطلقه، نیاز جامعه‌ای ازهم‌گسخته باشد که اجزای آن نمی‌توانند با هم سازگاری داشته باشند. او انقلاب‌ها را نتیجه ضعف دولت‌ها می‌داند و بر این نظر است که همواره پس از رخداد انقلاب، دولت قدرتمندتری با تمرکز بیشتر روی کار می‌آید. زیدآبادی معتقد است که دوگانگی قدرت، به تشدید تطبیق در تصمیم‌گیری دامن زده و ازاین‌رو بهتر است که قدرت، یکپارچه شود.

۴ درباره ساخت سیاسی ایران، برخی رهیافت‌های نظری از سوسی متفکرانی نظیر مارکس، ویتفولک، وبر و متسکیو... مطرح است. مطابق این نظریات بنا به دلایلی مانند جامعه کم‌آب و پراکنده یا شکل‌نگرفتن طبقات باخنگان از قدرت، سرزمین‌های پهناور، پدیدآمدن بوروکراسی متمرکز و... مشروطه‌کردن قدرت در ایران با انسداد مواجه می‌شود. نظر شما راجع به نتایج و ماحصل این نظریات چیست؟

**منابع آب و افسارگسیختگی قدرت**

به‌رحال این نظریات تا اندازه‌ای تحولات تاریخی سیاسی ایران را توضیح می‌دهند؛ مثلا می‌گویند به‌دلیل کمبود آب باید یک قدرت متمرکز وجود داشته باشد تا آب را استخراج و توزیع کند. به‌واسطه این مسئولیت، دولت بر زمین‌ها تسلط پیدا می‌کرده است تا این زمین‌ها را به‌عنوان زمین‌های خاصه یا خالصه به‌صورت تیول در اختیار کسانی قرار دهد. این تسلط دولت بر زمین و آب یک بوروکراسی را ایجاد می‌کرده که از طرف توزیع‌کننده منابع دولت و دریافت‌کننده آن جامعه بوده است. یعنی یک رابطه متفاوت از فئودالیسم اروپا ایجاد می‌کرده است. در اروپا دولت‌های کوچک محلی وجود داشته که همه آنها دولت‌های خودمختار کوچکی بوده‌اند که اداره آنها وابسته به دریافت مالیات از اشراف بوده است. اشراف که سبب مالیاتی می‌کردند، موقعیتی داشتند که می‌توانستند حاکم محلی را منضبط کنند و مجموعه آنها در یک چارچوب بزرگ‌تر نیز پادشاه را تا حدودی منضبط می‌کردند. بعد در روند تحول انقلاب صنعتی، اقتصاد به نحوی شکل گرفت که دولت‌ها به‌لحاظ اقتصادی نیازمند جامعه بودند و هم مجبور بودند به نظم سیاسی مورد نیاز مردم تن بدهند. در ایران تا زمانی که بحث اصلی منابع آب و زمین بوده است و این منابع به‌صورت تیول به افراد دلخواه داده می‌شده، دولت را اصطلاحا افسارگسیخته کرده است. بعدها این روند به دلایلی به بن‌بست رسیده و دوره‌ای داشته‌ایم که افسارگسیختگی دولت و حاکم با شعور اجتماعی و آگاهی مردم و نیازهای عمومی جامعه همخوانی نداشته؛ امری که سبب انقلاب مشروطه شد. انقلاب مشروطه هم به قصد مشروطه‌کردن قدرت دولت و پادشاه بود که به دلایل داخلی و قدرت همسایگان شمالی و جنوبی ایران که آن موقع هر دو قدرت استعماری بودند، دوام نیآورد و بعد از آن نیز وارد جنگ جهانی اول و فروپاشی نظم اجتماعی و سیاسی شدید که از دل آن یک دولت متمرکز رضاشاهی بیرون آمد که خودش را یک قدرت مدرن می‌دانست و دولت مدرن نیز از طریق قدرت مطلقه توانسته تیار یابد. بعد از آنکه نفت صادر و به‌مهم‌ترین منبع درآمدی ایران تبدیل شد، درآمد حاصل از آن نیز مستقیم به جیب دولت سرازیر شد. این امر باعث شکل‌گیری دولت رانتی و پادشاه که در رأس قدرت بود، می‌توانست منابع را تقسیم کند؛ بنابراین باز هم طبقات اجتماعی و گروه‌های شغلی چشمشان به دولت بود که سهمی از نفت را دریافت کنند. باز هم رابطه دولت و ملت رابطه معکوس را داشت. این وضعیت کمابیش از آن منطقی که شما وارد بحث شدید، ادامه پیدا کرد تا همین اواخر که نفت از سفره اقتصاد ایران در حال برچیده‌شدن است. اگر این شیوه تولید را جدی در نظر بگیریم و آن را توضیح‌دهنده مناسبات قدرت در ایران بدانیم، به‌ناحرا این تحریم نفتی و خارج‌شدن نفت از اقتصاد ایران باید یک تغییرات ساختاری در ایران ایجاد کند که باید درباره اینکه چه تغییراتی در ساخت قدرت می‌تواند ایجاد کند، صحبت کنیم.

۴ مطابق با این رویکردهای نظری، برای مثال شما تحلیل مارکس از شیوه تولید آسیایی در جوامع شرقی را جقدر صادق می‌دانید؟ یا دلایلی مانند انحصار تخصص منابع از طریق دولت مقتدر و مرکزی و سرزمین‌های پهناور (در ادبیات منتسکیو) را جقدر مبتنی بر جامعه شرق و ایران می‌دانید؟ آیا شما معتقدید که مارکس و وبر به‌درستی معتقدند که در جوامع شرقی مشروطه‌کردن قدرت به مانع برمی‌خورد و دچار انسداد می‌شود یا خیر؟

**موانع چندوجهی مشروطه‌کردن قدرت**

جیزی که روشن است، این است که جهان شرقی ازجمله جامعه ایران و برخی همسایگان عرب و غیر عرب ما، در برخی تجربه‌های مشروطه‌کردن قدرت، از بسیاری جوامع ازجمله شرق دور، عقب‌مانده‌اند که دلایل عینی، ذهنی یا ترکیبی از این‌ دو را دارد. به

## جامعه



**گفت‌وگو با احمد زیدآبادی**

# قدرت یکپارچه راه رسیدن به دموکراسی

نظر می‌آید حرف مارکس یا سایر کسانی که در این موارد صحبت کرده‌اند، تا اندازه‌ای علل مادی را توضیح دهد. به‌رحال باید دلیلی برای این تمرکز قدرت جست‌وجو کرد. شاید اگر تاریخ را بررسی کنیم، به این نتیجه برسیم که افسارگسیختگی قدرت دلایل دیگری نیز داشته است. در مجموع این نظریات تا اندازه‌ای پذیرفتنی است و به نسبتی نیز با عقل سلیم جور درمی‌آید. در هر صورت، به نظر من خیلی حرف بی‌راهی نیست و ما خودمان در دوره رونق نفتی، آن را احساس کردیم و تجربه بی‌واسطه‌ای از آن داریم. حتی پس از انقلاب، در دورانی که پول نفت بالا رفته -ملا در دوره احمدی‌نژاد- متوجه شده‌ایم که چگونه دست دولت برای توزیع رانت باز بوده و این امر باعث تمرکز قدرت بیشتری شده است. به‌رحال ما می‌توانیم آن را به‌عنوان یک فرض و دلیل عینی بپذیریم، اما قطعا همیشه دلایلی ذهنی هم برای رخدادها وجود دارد که ممکن است به جهان بیانی خاورمیانه‌ای با نگرش و تجربه باستانی آن یا حتی به نوع قهمی که ایرانیان از اسلام پیدا کرده‌اند، مربوط بوده باشد. نیاکان ما به قدرت سیاسی به‌عنوان پدیده مقدس و چیزی که از جانب خدا داده شده، نگاه می‌کردند و همین احترام به قدرت سیاسی، سبب تمکین از قدرت نیز می‌شده است. به‌رحال یک‌سری عوامل ذهنی و عینی دست به دست هم داده که باعث شده تلاش‌ها برای مشروطه‌کردن قدرت ناکام بمانند. درعین‌حال، از دوران مدرن، یعنی از دورانی که روند استعمار شروع شد و دولت‌های استعماری جهانی به کشور ما نزدیک شدند و توانستند در دستگاه دولت نفوذ نامشروعی پیدا کنند و به آن فشار بیاورند، عملا به‌عنوان عاملی در راستای ناکامی مشروطه‌کردن قدرت حاکم عمل کردند. در اواخر دوران قاجار، مورکان شوسترری که وارد ایران شد تا مالیه ایران را سامان دهد، بر اثر فشار روسیه تزاری ناکام ماند. ما از دوره‌ای به بعد شاهد نفوذ خارجی‌ها در امور ایران هستیم که خودش را در اتفاقات مثبت کشور در کنار عوامل ذهنی، همگی سهمی در ناکامی برای مشروطه‌کردن قدرت نشانده‌اند.

۴ **مشروطه‌کردن قدرت در ایران را به شکل نقطه‌ای تحلیل می‌کنید یا فرایندی؟**
بالاخره انسداد در جایی از تاریخ ما و در بلندمدت تمدنی، تضعیف می‌شود و این قدرت افسارگسیخته را می‌توان محدود و مشروط به قانون کرد یا اینکه این روند دولت قوی و جامعه ضعیف در ایران ادامه خواهد یافت؟

**استبداد تحت شرایط محیطی پایدار نخواهد بود**

الان پرسشش اصلی شما این است که آیا استبداد در ایران یک امر تاریخی است یا اینکه ما هم می‌توانیم با صورت دیگری از ساختار قدرت مثل آنچه در اروپا یا

برخی کشورهای خاور دور و آمریکای لاتین اتفاق افتاده است، مواجه شویم؟ به نظر من نمی‌آید که این امر محتومی است و تا بی‌نهایت ادامه پیدا خواهد کرد، بلکه امری است که تحت عوامل ذهنی و محیطی است. اگر این عوامل تغییر کنند، آن هم عوض می‌شود. اگر قرار بود وضعیت کمابیش از آن منطقی که شما وارد بحث شدید، ادامه پیدا کرد تا همین اواخر که نفت از سفره اقتصاد ایران در حال برچیده‌شدن است. اگر این شیوه تولید را جدی در نظر بگیریم و آن را توضیح‌دهنده مناسبات قدرت در ایران بدانیم، به‌ناحرا این تحریم نفتی و خارج‌شدن نفت از اقتصاد ایران باید یک تغییرات ساختاری در ایران ایجاد کند که باید درباره اینکه چه تغییراتی در ساخت قدرت می‌تواند ایجاد کند، صحبت کنیم.

۴ مطابق با این رویکردهای نظری، برای مثال شما تحلیل مارکس از شیوه تولید آسیایی در جوامع شرقی را جقدر صادق می‌دانید؟ یا دلایلی مانند انحصار تخصص منابع از طریق دولت مقتدر و مرکزی و سرزمین‌های پهناور (در ادبیات منتسکیو) را جقدر مبتنی بر جامعه شرق و ایران می‌دانید؟ آیا شما معتقدید که مارکس و وبر به‌درستی معتقدند که در جوامع شرقی مشروطه‌کردن قدرت به مانع برمی‌خورد و دچار انسداد می‌شود یا خیر؟

**موانع چندوجهی مشروطه‌کردن قدرت**

● **شرق:** ویروس کرونا همچنان در

ایران قربانی می‌گیرد و تازه‌ترین اخبار از شدیدترشدن شیوع این ویروس خبر می‌دهد.

در تازه‌ترین اخبار رسمی، وزارت بهداشت آمار جان‌باختگان روز گذشته را ۲۱۶ نفر اعلام و معاون وزیر بهداشت هم در توصیف شرایط از عبارت «اوضاع اصلا خوب نیست» استفاده کرد. درباره آخرین آمار، ظهر دیروز سخنگوی وزارت بهداشت از شناسایی دوهزارو ۳۳۳ بیمار جدید کووید ۱۹ در کشور در شبانه‌روز گذشته خبر داد. «سینما سادات لاری» دراین باره گفت: «از روز شنبه تا یکشنبه پنجم مرداد ۱۳۹۹ و براساس معیارهای قطعی تشخیصی، دوهزارو ۳۳۳ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی شد که هزارو ۲۸۲ نفر از آنها بستری شدند. مجموع بیماران کووید ۱۹ در کشور به ۲۹۱هزارو ۱۷۲ نفر رسید». او درباره جان‌باختگان هم گفت: «در ۲۴ ساعت گذشته، ۲۱۶ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۱۵هزارو ۷۰۰ نفر رسید. خوشبختانه تاکنون ۲۵۳هزارو ۲۱۳ نفر از بیماران، بهبود یافته یا از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند. سه‌هزارو ۶۹۵ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در وضعیت

شدید این بیماری تحت مراقبت قرار دارند». لاری درباره وضعیت استان‌های کشور هم گفت: «مانند روزهای گذشته، استان‌های مازندران، فارس، آذربایجان‌های شرقی و لرستان، خراسان رضوی، البرز، خوزستان، گری، گلستان، کرمان، زنجان و ایلام در وضعیت قرمز قرار دارند. همچنین استان‌های تهران، اصفهان، بوشهر، هرمزگان، قزوین، مرکزی، خراسان شمالی، همدان، خراسان جنوبی، سیستان وبلوچستان، اردبیل و کهگیلویهوبویرواحمد هم در وضعیت هشدار قرار دارند.»

دیروز همچنین معاون کل وزارت بهداشت در تشریح وضعیت کرونا در کشور، با بیان اینکه وضعیت اصلا خوب نیست، تهران را منبع پخش کرونا در کل کشور خواند. «ایرج حریری» درباره آخرین وضعیت کرونا در کشور، بااین‌که در استان خراسان رضوی افزایش ابتلای ۳۰۰ درصدی داشته‌ایم، گفت: «بر همین اساس با نظر وزیر بهداشت چند نفر از معاونان و مدیر کل‌های وزارت بهداشت به این استان سفر کردند. درعین‌حال دانشگاه علوم پزشکی استان هم به‌خوبی عمل می‌کند، بااین حال شرایط در این استان غم‌انگیز است. تقریبا کل کشور وضعیت قرمز دارد؛ برخی استان‌ها که قرمز نیستند، یک میلیون نفر جمعیت دارند. بنابراین وضعیت قرمز و در حال هشدار است.» حریری ادامه داد:

«در اسفند و فروردین میزان بستری در کل کشور بسیار زیاد شد، اما سپس روند کاهشی را حفظ کرد و اکنون مجددا روندی افزایشی دارد. به‌طوری‌که میزان بستری ما از هر صد هزار نفر جمعیت حدود پنج نفر است و روزانه تقریبا چهار هزار فرد مشکوک یا کرونا مثبت با بستری می‌کنیم. تا زمانی که ابتلا و بستری صعودی است، دو تا سه هفته بعد بمرگ‌های ناشی از بیماری نیز افزایش می‌یابد؛ زیرا پنج تا ۱۰ درصد افرادی که در بیمارستان بستری می‌شوند، فوت خواهند کرد. تا زمانی که بستری کاهش نیابد، مرگ ۲۰۰ تایی میهمان ما است.» او با بیان اینکه میزان مرگ‌های ما بسیار راجحت‌کننده است، گفت: «روز ۲۰۰ مرگ، یعنی ۲۰ درصد موارد مرگ روزانه در کشور. بر این اساس اکنون از هر پنج فوتی که در کشور اتفاق می‌افتد، یکی مربوط به کروناست. این واقعیت امروز ماست و تا زمانی که مسائل بهداشتی و فاصله‌گذاری را رعایت نکنیم، حل نمی‌شود. فکر کنیم که کرونا برای همسایه است. ۷۰ درصد مردم ما یا چاق هستند یا اضافه‌وزن دارند و ۳۰ درصد لاغرند یا وزن نرمال دارند. در بالغ ۱۴ درصد دیابت دارند و... افراد عادی که چاق هستند هم می‌توانند مبتلا شوند. چاقی یکی از ریسک‌فاکتورهای کروناست و ثابت شده هر یک کیلوگرم کاهش وزن، یک درصد احتمال ابتلا به کرونا را کاهش می‌دهد.» حریری درباره وضعیت تهران نیز گفت: «بستری‌های تهران در فروردین رو به سقوط گذاشت، اما اکنون بستری روزانه جدید روزی ۶۰۰ مورد است. همچنین در تهران حدود چهارهزارو ۵۰۰ بستری روز تحت داریم. باید توجه کرد تا زمانی‌که این روند‌ها افزایشی است، مرگ‌ومیر نیز افزایشی خواهد بود. کرونا ایته عمل ماست، هر رفتار نامناسب بهداشتی ما پنج تا هفت روز بعد خودش را در حوزه سرپایی نشان می‌دهد، دو تا سه هفته بعد در بستری و چهار تا شش هفته بعد در مرگ‌ومیر. اکنون تهران منبع پخش بیماری به کل کشور شده و چرخش زاید است؛ به‌ویژه در شهرستان‌های اطراف تهران مانند البرز و بعد هم شمال ... هرکس از تهران به شهرهای اطراف در رفت‌وآمد است، می‌تواند افراد دیگر را آلوده کند.»

جولوگیری می‌کنند. آیا می‌توان از این چاه ویل بالاخره بیرون آمد؟

**فردیت اصل، پیش‌نیاز هر شکلی از همکاری مؤثر است**

دلیل اینکه نمی‌توانیم با یکدیگر کارکنیم و زود متفرق می‌شویم، همین عدم رشد تفرد در ماست و نه غالب بودن این فردیت! فردیت، اساسا بنیان شکل‌گیری دموکراسی یا هر نوع همکاری مؤثر است. این مفهوم در ایران دچار سوءتعبیر شده است. فردیت یعنی استقلال شخصیت، رشد و آگاهی، یعنی اینکه فرد انسانی خود یک غایت است و نباید قربانی چیز دیگری بشود. اتفاقا این امر در سطح روان‌شناسانه قابل دستیابی است و اتفاقا مشکل ما همین جاست. در توضیح این مطلب باید بگویم هویت انسانی در چندین مدار شکل می‌گیرد. شاید مدار نخست، نگاه کلان او به هستی یا همان جهان‌بینی باشد. مدار دوم مناسبات اجتماعی- سیاسی و درک از مفاهیم مربوط به زندگی اجتماعی و سیاسی است. مدار دیگر تبدیل‌کردن این مفاهیم به رفتار در سطح فردی است؛ بنابراین ما در سه سطح فلسفی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی می‌توانیم با یک جامعه مواجه شویم. از قضا بزرگ‌ترین مشکل ما در سطح روان‌شناسانه است که فرد باید رفتار مداراچویانه و دموکراتیک توأم با همکاری داشته باشد و نوعی از همکاری و تعامل مثبت با دیگران را بیاموزد و به آن عمل کند. ما هرکدام در دوره‌های طرفدار انتقادیم

و همه خود را انتقادپذیر فرض می‌کنیم و همه حامی و مرجع ترحم تساهل و مدارا نسبت به افکار متفاوت هستیم؛ اما چرا به این صحبت‌ها عمل نمی‌کنیم؟ همین آدمی که از این حرف‌ها را می‌زند، اگر در موقعیتی قرار بگیرد که از او یا رهبران فکری‌اش انتقاد شود، برمی‌آشوبد و می‌گوید به ضدیت انداخته و منجر به تغییرات ناخواسته‌ای شده است. اما تمام این تجارب در حال انباشت‌شدن است و به اینجا شکل جدیدی می‌دهد. من اعتقاد دارم اینکه ذنیت مسلمانان جوری جهت‌دهی شده که موجب عدم شکل‌گیری جامعه باز و سکولار خواهد شد. مربوط به کسانی است که از بیرون به جامعه اسلامی و با دیدگاه خاص شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌تواند دولت را دچار تغییر کند. ما ترکیه را داریم که در دوره‌هایی خود را با شرایط مشروطیت قدرت تطبیق داده است. در آن دوره شکل جدیدی برای تداوم دولت رانتی بوده که در شرق‌شناسانه به این جوامع می‌نگرند. یکی از دلایل این موضوع تغییر ذنیت مسلمانان به‌واسطه آگاهی‌های جدیدی است که پیدا می‌کنند. دلیل دیگر پدیده نفت است؛ اگر نفت هم عاملی برای تداوم دولت رانتی بوده در کشور ما دارد نقشش را از دست می‌دهد و می‌توان